

# نشرقی و غربی بی آبی بی برقی

روز ۷ تیر حد از روز بی آبی و بی برقی ساکنان افسریه جانشان به لب رسید به خیابان ریختند . چهل تا پنجاه هزار نفر جلوی شهرداری جمع شدند و اتوبان افسریه را بستند و به دامن شعار ریختند .

پاسداران جان برکت برای نفع کریلا وارد افسریه شدند . بعد از چند ساعت درگیری توانستند از دامان افسریه بیست نفر را داشته و ۸۰ نفر را زخمی و ۲۵۰ الی ۳۰۰ نفر را هم اسیر کنند . ولی مردم هم پاسداران را و شالی دادند . چند ماشین شت سیاه را آتش زدند و عده ای از آنها را زخمی کردند ، بالاخره پاسداران در غروب آن روز افسریه را فتح کردند و سرور صدرا را خراب کردند . ولی غیر شلوفی افسریه در سرتاسر ایران پیچیده .

مردم هنوز شعارهای ساکنان افسریه را تکرار میکنند . حتی اگر حرکت مردم افسریه فقط بخاطر آب و برق بوده باشد ، شایعات مردم آنرا به مسئله سیاسی تبدیل کرده است . نیروهای مختلف سیاسی هم با بهره برداری از حرکت مردم میخواستند خودشان را رهبران مبارزات جایزنند . حکومتها هم از نظارت مسئولیت را بدوش هم میاندازند و نظارت دیگر نخست وزیر و استان انقلاب و زمین جمهور میکنند شلوفی افسریه را گرهنگها برده و ما آنرا در تافه خفه میکنیم .

ولی غیر از تهران در شهرهای مشهد ، اصفهان ، تبریز و شیراز هم صدای اعتراض مردم علیه بی کفایتی ، عقب افتادگی و وحشیگری جمهوری اسلامی بلند شده است .

آخوند هانه سرتار آند میکنند پول نفت باید به مردم برسد آب و برق مجانی شود . حلا از بدارت روزی ده هزار ششکه نفت در دریا نلک میشود و نظارت دیگر جای آنکه پول آب و برق را قطع کنند خود آب و برق را قطع میکنند .

الان ۸۰ درصد جمعیت اطراف تهران روستائیان مهاجر هستند . مردم دهات چون زندگیشان در ده تا همین نیست بارو بندیشان را میبندند و راهی شهرهای بزرگ مخصوصاً تهران میشوند . روستائی در ده نار میخواید . شهر کوچک به کارخانه تولید صنعتی احتیاج دارد تا هم جامعه پیشرفت کند و هم تار ایجاد شود . ولی دولت نه در ده به وضع آنها میرسد و نه در شهر . مردم شهرتها باید آب و برق ، آسفالت ، فضای سبز ، مدرسه و وسائل تفریح بچه ها ، وسیله رفت و آمد ، درمانگاه و حمام داشته

باشند . ما بهتاج زندگي مثل نان و برنج و گوشت و غيره در دسترسان باشد و از همه مهتر کار داشته باشند و در توليد شرکت کنند .  
 اگر برای مردم ساله اصلی این احتیاجات اولیه است ، برای دولت جنت ساله اصلی است . بودجه يك روز جنت ۲۵۰ -  
 میلیون تومان است در حالیکه بودجه پیش از شهرک مسعودیه ۶ میلیون تومان است . جمهوری اسلامی میخواهد شرف و غرور  
 را فتح کند ولی آب و برق را هم نمیتواند برای مردم تهیه کند .

نیلی از نارگران فکر میکنند آمدن روستائی به شهر تهدیدی برای کارگران شان است ، ولی ما میتوانیم با دفاع کردن از  
 جازرات آنها را برای داشتن کار و شرایط مناسب زندگي است . وجود بیگاری را به تهدیدی برای جمهوری اسلامی تبدیل کنیم .  
 سیاست یعنی همین که بدانیم قشرهای مختلف جامعه چه خواستهائی دارند ، خواستههای قشرهای زحمتکش را هم نزدیک  
 کنیم و از اختلافات بالایشان برای متحد کردن خودمان و تضعیف آنها استفاده کنیم . اما این تشکیلات کارگری نداریم که خودمان  
 را بهم وصل کنیم و در آنجا نگرها و حرفهایمان را یک نامه کنیم ، رفته بریزیم - یعنی سندیکا حزب نداریم - دیگران از قدرت ما  
 استفاده میکنند و سرمان بی کلاه میماند . آن وقتها که میگوئیم " عرب پرناه " نمیدانستیم خصمی از حرکت ما برای روی آرا آمدن  
 نبودن استفاده میکنند . الان هم که میگوئیم " عرب برغمینی " باید بفهمیم که حرکت ما بفتح چه کسی تمام میشود .

در راه اغیر در کار خنجات کفش ملی و بات ناز و نخ ناز و عایباز . . . اعتراض و انتصاب و دستگیری بوده اما خبر آن پهن  
 نشده است . در حالیکه خبر جازرات مردم اسرینه ۵۵ جا پیچیده . دلیلش اینست که این حرثت سیاسی است و مستقیماً با رژیم  
 مخالفت میکند . اما جازرات ما تا بحال پراکنده و برای رسیدن به خواستههای ما رتانه ای بوده است ، یعنی غیر سیاسی بوده و  
 کسی به آن توجه نکرده است . اگر جازرات خود را بپارچه کنیم و تشکیلات کارگری خودمان را بوجود بیاوریم ، هم در جامعه بصورت  
 یک نیروی تعیین کننده ما را همراهی کند و هم میتوانیم از جازرات دیگر در خنجان بفتح خودمان استفاده کنیم .

تأوی مشکلات نیاشیم سر نوستان پرست  
 طبقات دیگر است